

دانش و پژوهش در علوم تربیتی  
دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان (اصفهان)  
شماره پنجم و ششم - بهار و تابستان ۱۳۸۴  
صص ۱۲۸ - ۱۱۳

## تحلیل محتوای اشعار حافظ و سعدی بر اساس تیب شخصیتی (درونگرایی - برونگرایی)

مالک میرهاشمی<sup>۱</sup>

### چکیده

بر اساس فرض‌های روانکاوی افراد ویژگیهای شخصیتی خود را در آثار گوناگون نظیر نقاشی، رمان و اشعار فرافکنی می‌کنند. این منابع شامل پیامی است که در واقع ویژگیهای شخصیتی، علایق، نگرش و انگیزه‌های آفرینش اثر را همراه با عوامل زمینه‌ای دوره‌ای که فرد در آن زندگی می‌کند منعکس می‌نمایند. هدف اساسی این مطالعه، مقایسه تیب‌های شخصیتی (درونگرایی و برونگرایی) سعدی و حافظ بر اساس محتوای اشعار این دو شاعر است. بر اساس روش تحلیل محتوا، از دو اثر منظوم دیوان حافظ و کلیات سعدی با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی منظم (۱۰ صفحه به ۱۰ صفحه از غزلیات حافظ و ۷ صفحه به ۷ صفحه از غزلیات سعدی) ۴۴ صفحه از غزلیات هر یک از آثار انتخاب شد. از بیت به‌عنوان واحد تحلیل استفاده شد. بدین ترتیب ابیات بیانگر ویژگیهای شخصیتی مبتنی بر تعریف‌های شناخته

۱- عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن و دانشجوی دوره دکتری واحد علوم و تحقیقات

شده از برونگرایی و درونگرایی از صفحات انتخاب شده استخراج و به صورت مقوله‌های مشخص طبقه‌بندی شدند و فراوانی هر مقوله تعیین شد. در نهایت با استفاده از روش آماری مجذور خی این نتیجه به دست آمد که در غزلیات سعدی تمایلات برونگرایی بیشتری در مقایسه با غزلیات حافظ وجود دارد.

کلید واژه‌ها: تحلیل محتوا، تیپ شخصیتی، درونگرایی، برونگرایی، حافظ، سعدی.

### مقدمه

انسانها خصوصیات و صفات متفاوت دارند. بسیاری از آنها در یک راستا قرار می‌گیرند و این امکان فراهم می‌شود که ترکیب‌های مشابهی از صفات افراد در یک گروه طبقه‌بندی شود. در اینجا است که موضوع تیپ‌های شخصیتی مطرح می‌شود. زمانی که یک شخص به عنوان فردی صمیمی، دقیق و آرام توصیف می‌شود و فردی دیگر بی‌قرار، زودرنج و بی‌نظم، تصویرهای مختلفی در ذهن ما نقش می‌بندد. این ترکیب صفات، تیپ‌های مختلف شخصیت ما را توصیف می‌کنند. در این روش، رفتار در قالب صفات، تیپ‌ها، نگرش‌ها و عادت‌ها و مانند آن توصیف می‌شود، بدون آنکه به این پرسش پرداخته شود که چرا شخص معینی به شیوه خاصی رفتار می‌کند.

یکی از قدیمی‌ترین نظریه‌های شخصیت، نظریه‌ای است که فیلسوف یونانی ثئوفراستوس<sup>۱</sup> (۲۸۷ - ۳۷۲ ق.م) ارائه داده است. او در کتابی به نام «منش‌ها»، تیپ‌های مختلف شخصیتی را توصیف کرده است. نظریه مزاج‌ها (اخلاط چهارگانه) نظریه‌ای دیگر درباره طبقه‌بندی افراد برحسب تیپ‌های شخصیت است که بقراط (۴۶۰ تا ۱۳۱ ق.م) ارائه داده است. طبقه‌بندی بقراط شامل چهار تیپ دموی، بلغمی، سوداوی و صفراوی است. بعدها جالینوس (۲۰۱ - ۱۳۱ م) این طبقه‌بندی چهارگانه را گسترش داد. او ۹ مزاج را تشریح می‌کند که هر کدام رابطه نزدیکی با شرایط جسمانی دارند (راس، ترجمه جمالفر، ۱۳۷۵ و شاملو، ۱۳۶۸).

با وجود محدودیت این نوع طبقه‌بندی‌ها، اصطلاحاتی نظیر دموی، بلغمی و... هنوز هم در فرهنگ‌ها یافت می‌شود. به علاوه شواهدی در خصوص تأثیرپذیری شخصیت از عوامل ژنی، فیزیولوژیک و عصبی - هورمونی به دست آمده است. این نوع طبقه‌بندی در اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم دوباره مطرح شد. برای نمونه این ایده که بین رفتارهای یک فرد و خصوصیات جسمانی او ارتباط وجود دارد پایه طبقه‌بندی تیپ‌های بدنی بود که ارنست کرچمر روانپزشک آلمانی ارائه داد. وی براساس مشاهدات و تجربیات بالینی خود با بیماران روانی، سه نوع مختلف ساختمان بدن را مشخص کرد. کرچمر افراد چاق را پیک‌نیک، افراد عضلانی را اتلتیک و لاغر را استنیک نامید.

ویژگیهای فردی ممکن است کم و بیش نشان‌دهنده جنبه‌های شخصیت یک فرد باشند. مشخص‌ترین و مؤثرترین ویژگیهایی که آلپورت به آنها اشاره کرده، صفات اعظم است. این صفات بر تمام جنبه‌های شخصیت فرد تأثیر می‌گذارد طوری که هر فرد سریع می‌تواند آن را تشخیص دهد. افراد کمی دارای صفات اعظم هستند. اما آنهایی که این صفات را دارند، با آن مشهور می‌شوند. به‌عنوان مثال، از دارندگان صفات اعظم شخصیت‌های تاریخی همچون مهاتما گاندی، مورگان، فلورانس نایتینگل، آلبرت شوایتزر، آبراهام لینکلن را می‌توان نام برد. دومین بعد صفات فردی، صفات مرکزی است. این صفات شدت کمتری دارند و فراگیری آنها از صفات اعظم کمتر است. هر فردی تعداد معدودی از این صفات را دارد. آنها از خصوصیات اصلی و عمومی فرد محسوب می‌شوند. در واقع با همین صفات مرکزی است که ما افراد را توصیف می‌کنیم. سومین بعد صفات فردی که آلپورت توصیف کرده، صفات ثانویه است. اینها خصوصیاتی هستند که نسبت به شخصیت فرد، جنبه ثانوی و پیرامونی دارند و در توصیف شخصیت، اهمیت کمتری دارند. صفات ثانویه، احتمالاً فقط با وجود شرایط خاصی ظاهر می‌شوند (راس، ترجمه جمالفر، ۱۳۷۵).

ریموند کتل صفات را واحدهای ساختمانی شخصیت می‌داند و به‌منظور دستیابی به اطلاعات بیشتر در این زمینه مطالعات زیادی انجام داده است. این مطالعات سبب شده است که او صفات را به چند طبقه تقسیم‌بندی کند: صفات عمقی و صفات

سطحی. صفات عمقی ساختارهای زیربنایی شخصیت هستند که شالوده و اساس آن را می‌سازند. آنها به وجود آورنده رفتار انسان بوده و ثبات رفتاری ما را از موقعیتی به موقعیت دیگر و از زمانی به زمان دیگر موجب می‌شوند. کتل نتیجه گرفت که ۱۶ صفت عمقی وجود دارد و هر انسانی از هر یک از آنها کم و بیش برخوردار است. پرسشنامه شازنده عاملی شخصیت کتل بر این عوامل استوار است و برای ارزیابی صفات افراد و مقایسه گروهها استفاده می‌شود. هر کدام از این صفات عمقی بر گونه‌ای از رفتارهای خاص نظارت می‌کنند (شولتز و شولتز، ترجمه سید محمدی، ۱۳۷۹، راس، ترجمه جمالفر، ۱۳۷۵).

نظریه شخصیت بسیار با نفوذ آیزنک که بر پایه سه بعد قرار دارد از جمله نظریه‌هایی است که معتقد است این ابعاد ترکیباتی از صفات یا عوامل هستند؛ ما می‌توانیم این ابعاد را به صورت عامل‌های برتر در نظر بگیریم (آیزنک، ۱۹۹۰، آیزنک و آیزنک، ۱۹۸۵). سه بعد شخصیت آیزنک عبارت‌اند از:

۱- برونگرایی در برابر درونگرایی<sup>۱</sup> (E)

۲- روان‌رنجور خوبی در برابر پایداری هیجانی<sup>۲</sup> (N)

۳- روان‌پریشی خوبی در برابر کنترل تکانه<sup>۳</sup> (P)

صفات شخصیت مربوط به این ابعاد در جدول ۱ ارائه می‌شود. همان‌طور که می‌بینید، افرادی که در صفات بعد E نمره زیادی می‌گیرند، با عنوان افراد برونگرا طبقه‌بندی می‌شوند، در حالی که افرادی که نمره پایین می‌گیرند با عنوان افراد درونگرا طبقه‌بندی می‌شوند. معلوم شده است صفات و ابعادی که آیزنک معرفی کرده است، با وجود تفاوت محیطی و تأثیرات اجتماعی که هر یک از ما با آنها روبه‌رو می‌شویم، در سراسر عمر ثابت می‌مانند. موقعیت‌های ما ممکن است تغییر کنند، اما این ابعاد بدون تغییر می‌مانند. برای مثال، کودک درونگرا در بزرگسالی همچنان درونگرا می‌ماند (آیزنک و آیزنک، ۱۹۸۵).

1- Extraversion versus introversion (E)

2- Neuroticism versus emotional stability (N)

3- Psychoticism versus impulse control (P)

جدول ۱- صفات ابعاد شخصیت آیزنک

برونگرایی / درونگرایی	روان رنجور خوبی / پایداری هیجانی	روان پریشی خوبی / کنترل تکانه
اجتماعی	مضطرب	پرخاشگر
سرزنده	افسرده	سرد
فعال	احساس گناه	خودمحور
جسور	عزت نفس کم	غیرشخصی
هیجان خواه	تنیده	تکانشی
بی خیال	نامعقول	جامعه ستیز
سلطه گر	خجالتی	خلاق
خطر جو	دمدمی	واقع بین

نمونه بارز برونگرایی کسی است که اجتماعی است، از مهمانی خوشش می آید، دوستان بسیار دارد، به سخن گفتن با دیگران نیاز دارد، میل ندارد در تنهایی مطالعه کند. مشتاق تحریک و هیجان است؛ دل به دریا می زند، فضولی می کند، ناگهانی و نیندیشیده عمل می کند و به طور کلی فردی تکانشی است. میل دارد دیگران را دست ببندازد، حاضر جواب است و به طور کلی تغییر و دگرگونی را دوست دارد؛ بی خیال است و خوش بین و دلش می خواهد خوش و خندان باشد. حرکت و کار را بیشتر می پسندد، تمایل به پرخاشگری دارد و زود از کوره در می رود، روی هم رفته مهار احساسهایش را در اختیار ندارد و آدم چندان با ثباتی نیست. از سوی دیگر نمونه بارز درونگرایی فردی کم حرف و به نحوی گوشه گیر است؛ در خود فرو رفته و بیشتر به کتاب علاقه دارد تا به رابطه با اشخاص. آدم توداری است و بجز چند دوست صمیمی از دیگران فاصله می گیرد؛ به دوراندیشی متمایل است، بی گذار به آب نمی زند و به احساسهای آنی اعتماد نمی کند، تحریک و هیجان را دوست ندارد و مسائل زندگی روزمره را در حدی که لازم است جدی می گیرد؛ زندگانی منظم و با قاعده را دوست دارد، به احساسهایش کاملاً مسلط است و به ندرت از خود پرخاشگری نشان می دهد و زود از کوره در نمی رود. با ثبات و تا حدودی بدبین است و برای معیارهای اخلاقی ارزش فراوان قایل است (آیزنک، ترجمه براهنی و گاهان، ۱۳۶۶).

درونگراها و برونگراها به لحاظ نگرش به ویژه در زمینه‌های اجتماعی و سیاسی، با هم تفاوت دارند. برونگراها به نگرش‌های واقعگرا و درونگراها به نگرش‌های آرمانگرا تمایل دارند. درونگراها اگر محافظه‌کار باشند، به باورها و نگرش‌های مذهبی گرایش پیدا می‌کنند، حال آنکه برونگراها به نگرش‌هایی مانند لازم شمردن کیفر مرگ و شلاق برای مجرمان و مخالفت با درهم‌آمیزی نژادها و حقیر شمردن مردمان غیرسفیدپوست رو می‌کنند. در موضع تندروی، درونگراها به آرمان‌های صلحجویانه و مسالمت‌آمیز تمایل نشان می‌دهند، حال آنکه برونگراها به موردهایی مانند ازدواج مشروط و تسهیلات بیشتر در قوانین طلاق متمایل هستند. در بیشترین حد، برونگراهی محافظه‌کار به باورهای فاشیستی و برونگراهی تندرو به باورهای اشتراکی گرایش پیدا می‌کنند. به این ترتیب مشاهده می‌شود که تفاوت‌های این گروه‌های شخصیتی کاملاً واقعی است و در زمینه‌های بسیار گوناگونی گسترش می‌یابد. به طور کلی آنچه گفته شد به این معنا نیست که شخصیت را فقط با همین دو بُعد می‌توان توصیف و یا تجزیه و تحلیل کرد. احتمال دارد بُعدهای متعدد دیگری نیز وجود داشته باشد، اما پژوهندگان مختلفی که از روش‌های گوناگون بهره جسته‌اند در پژوهش‌های خود بارها همین دو بُعد را یافته‌اند و شاید این توافق وجود داشته باشد که این دو بُعد از لحاظ کردار بشر مهمترین بعدها هستند.

آیزنک دریافت که برونگرایان و درونگرایان از نظر سطح پایه انگیزتگی مغزی با یکدیگر فرق می‌کنند، به طوری که برونگرایان سطح پایین‌تری دارند. برونگرایان به دلیل پایین بودن سطح انگیزتگی مغزی به برانگیختگی و تحریک نیاز دارند و به طور فعال آن را می‌جویند. در مقابل، درونگرایان به دلیل بالا بودن سطح انگیزتگی مغزی از برانگیختگی پرهیز می‌کنند. در نتیجه درونگرایان شدیدتر از برونگرایان به تحریک حسی واکنش نشان می‌دهند. بررسی‌ها نشان داده‌اند که درونگرایان به محرک‌های سطح پایین حساسیت بیشتری نشان می‌دهند و آستانه درد پایین‌تری از برونگرایان دارند. پژوهش دیگری از تفاوت‌های موجود در پاسخ به تحریک حسی حمایت می‌کند، اما شواهد کمتر قانع‌کننده‌ای را که نشان دهد این تفاوت‌ها می‌توانند به تغییرات سطح پایه انگیزتگی مغزی نسبت داده شوند گزارش می‌دهد (بالوک و گیلیند، ۱۹۹۳؛ استل مک، ۱۹۹۰).

مطالعه دوقلوها نشان داده است که همبستگی نمرات آزمون درونگراها و برونگراهی دوقلوی یکسان، به میزان قابل توجهی بیشتر از همبستگی نمرات آزمون

دوقلوهای عادی است (۵۴ درصد در مقابل ۲۱ درصد). همچنین مطالعاتی در مورد ویژگیهای شخصیتی (اجتماعی بودن و سطح فعالیت) که وابسته به بعد درونگرایی و برونگرایی می‌باشند، انجام گرفته است. در اینجا نیز به نظر می‌رسد عوامل ژنی نقش عمده‌ای را به عهده دارند. به عنوان مثال در یک بررسی که در مورد کودکان فرزندخوانده انجام گرفته، نشان می‌دهد که میزان اجتماعی بودن آنان بیشتر شبیه به مادران واقعی شان بوده، مادرانی که هرگز آنها را ندیده و نمی‌شناختند تا مادرانی که آنها را به فرزندپذیرفته و بزرگ کرده بودند (راس، ترجمه جمالفر، ۱۳۷۵).

شیخ سعدی نه تنها یکی از پارسی‌گویان بنام بلکه یکی از بزرگترین سخن‌سرایان جهان است و کسانی که با سعدی برابری کنند بسیار معدودند. در ایران از نظر شهرت کم‌نظیر است و خاص و عام او را می‌شناسند، در بیرون از ایران هم اگر عوام ندانند خواص البته به بزرگی او پی برده‌اند. آن‌طور که در منابع آمده است، سعدی تخلص شعری شیخ است و در مورد نام او اختلاف نظر وجود دارد. بعضی مشرف‌الدین و برخی مصلح‌الدین و گروهی یکی از این دو کلمه را لقب او دانسته‌اند، با این حال از احوال و شرح زندگانی او اطلاعات زیادی در دست نیست. حتی درباره شیخ سعدی مسامحه به حدی است که نام او هم به درستی ثبت نشده است. خانواده شیخ سعدی از عالمان دین بودند، در سالهای اول قرن هفتم هجری در شیراز متولد شده و در جوانی به بغداد رفته است، در آنجا در مدرسه نظامیه و حوزه‌های دیگر درس و بحث به تکمیل علوم دینی و ادبی پرداخته است، مسافرت‌هایی به شام و حجاز داشته و در اواسط قرن هفتم به شیراز بازگشته است؛ در سال ۶۵۵ هجری قمری کتاب معروف خود بوستان را به نظم آورده و در سال بعد گلستان را تصنیف نموده است. وی به زبانی بسیار فصیح اشعار، نکات و دقایق عرفانی و حکمتی می‌پرورده و تا اوایل دهه آخر قرن هفتم در شیراز به سر می‌برده است. سرانجام در یکی از سالهای بین ۶۹۱ و ۶۹۴ هجری قمری در گذشته و در بیرون شهر شیراز در محلی که اکنون زیارتگاه عاشقان وی است به خاک سپرده شده است (کلیات سعدی، ۱۳۸۱).

برخی سعدی را به معنای اخص، در زمره عرفا به حساب نمی‌آورند و آثار او را نیز در زمره آثار عرفانی ادب فارسی محسوب نمی‌کنند و از او بیشتر به عنوان شاعری بزرگ و حکیمی اجتماعی نام می‌برند. عده‌ای نیز بر این باورند که از مطالعه بوستان و

بعضی حکایات او می‌توان نتیجه گرفت که وی عقیده به تصوف داشته و مشرب عرفان را می‌پسندیده... اما در حقیقت، سعدی را نمی‌توان صوفی مطلق دانست. تعالیم عرفانی تا آنجا مورد پسند سعدی است که برای تعدیل اخلاق اجتماعی سودمند واقع شود. عده‌ای نیز بر این نکته پافشاری می‌کنند که سعدی خواسته است برای تمام طبقات مردم سخن بگوید. ادوارد براون در کتاب تاریخ ادبی ایران دیدگاهی واقع‌بینانه‌تر ارائه می‌دهد و می‌گوید: «سعدی نسبت به عطار و مولوی از نوع کاملاً دیگری است؛ روی هم رفته خصلت نیمه دیندار و نیمه دنیا‌دار را معرفی می‌کند و اساساً بی‌هیچ تردیدی می‌توان گفت که عقل دنیا‌دار بیش از تصوف، خصیصه او است» (ذکر جمیل سعدی، ۱۳۶۶، جلد سوم، ص ۹۷ - ۹۶).

سعدی در ده باب بوستان خواسته است سیمای یک جامعه آرمانی را ترسیم کند و انسانها را به سوی صلاح رهبری کند و به شایسته‌ها فراخواند و از ناشایسته‌ها به دور دارد. باید گفت که در این زمینه، سعدی شعر اخلاقی را به کمال رسانده و چون جور و ستم حاکمان قرن هفتم هجری را به چشم دیده و این مسأله در روحيات او تأثیر زیادی گذاشته بر آن شده است که از عدل سخن گوید و ستمگر را از ستم به زیر دست نهی کند. به‌طور کلی وی در این اندیشه بوده که انسان را به سوی کمال ترقی دهد و انسان آرمانی را مجسم کند. سعدی افکار و اعتقادات عالی اخلاقی را به صورت قصه بیان کرده و در هر قصه هدف خاصی را دنبال می‌کند و قصه‌ها به اقتضای مطلب اغلب کوتاه و مختصر و گاه طولانی و مفصل است.

به‌طور یقین سعدی با توجه به شخصیت‌پردازی‌ها و بیان داستان‌هایی در مورد شخصیت شاهان، فرمانروایان و حاکمان دوران مختلف مربوط به پیش از اسلام و بعد از آن، هدفی اجتماعی و اخلاقی را دنبال می‌کرده است. در برخی قصه‌ها توجه به هم‌نوع و خواستن رفاه و آسایش برای بینوایان و نیازمندان حکایت از خصلت اجتماعی‌گرای سعدی دارد. وی نمی‌پسندد که دل مردمی از بی‌برگی و نداری آزرده باشد و در رنج به سر برند، ولی شهریار بر خود زینت ببندد و پیرایه خود را بپیراید.

مکن تا توانی دل خلق ریش و گر می‌کنی می‌کنی بیخ خویش

سعدی درباره بیگانگان نیز دستورالعملی دارد و می‌گوید: نباید خاطر بازرگانان را آزرده، بلکه باید راه و رسم پسندیده و مقبولی با بازرگانان نقاط دیگر داشت و با آنها به خوبی رفتار کرد.



غریب آشنا باش و سیاح دوست      که سیاح جلاب نام نکوست  
نکو دار ضیف و مسافر عزیز      وز آسیبشان برحذر باش نیز

فضایل عمده‌ای را که سعدی توصیف کرده و در ده باب بوستان آورده است عبارت‌اند از عدل، احسان، عشق، تواضع، رضا، قناعت، تربیت، شکر بر عافیت، توبه و مناجات درگاه حق. این فضایل اساسی که همه حیات آدمی را در ابعاد گوناگون آن در برمی‌گیرد چهارچوب اخلاق اسلامی را تشکیل می‌دهد که هیأت اجتماعی بر آن مبتنی است. بنابراین وقتی اشعار جاویدان خود را درباره انسان دوستی می‌سرود در حقیقت ملهم از تعالیم اصلی اسلام بوده و حکایت از گرایش به جمع و طبع اجتماعی بودن وی داشته است:

بنی آدم اعضای یک پیکرند      که در آفرینش ز یک گوهرند  
چو عضوی به درد آورد روزگار      دگر عضوها را نماند قرار  
تو کز محنت دیگران بی‌غمی      نشاید که نامت نهند آدمی

از دیدگاه سعدی یک جامعه آرمانی باید در کسب فضایل و صفات نیکو، پویا و فعال باشد. حتی یک لحظه غفلت ممکن است آن را بسیار عقب نگه دارد:  
اگر رفتی بردی و اگر خفتی مردی... در عمل کوش هر چه خواهی پوش.  
این پویایی و حرکت خواستار کار سخت پیوسته، رفتن به سوی جمع، نظم و تحرک بیشتر است. از این رو این توصیه‌ها نیز حاکی از گرایش‌های جمع‌گرایانه و تمایلات برون‌گرایانه سعدی دارند.

\*\*\*

خواجه شمس‌الدین محمد حافظ شیرازی به سال ۷۲۶ هجری قمری در شیراز متولد شد. مدت عمر شریف او ۶۵ سال بوده و آرامگاه او در شیراز مشهور به حافظیه زیارتگاه ارباب نیاز و اهل دل است. به مناسبت اینکه او حافظ قرآن بوده حافظ تخلص نموده و گویند تفسیری نیز بر کلام الله مجید نوشته و در برخی از غزلیات خود بدان اشاره کرده است.  
عشقت رسد به فریاد و خود به سان حافظ

قرآن ز بر بخوانی با چهارده روایت

شعر حافظ به قدری جاندار و مطابق با حقیقت و دور از مجاز است که امروزه پس از ششصد سال هر که می‌شنود به اشتباه می‌افتد و خیال می‌کند گوینده این اشعار شاعری

زبردست در دوره معاصر است. نکته دیگری که در اشعار حافظ می‌توان یافت و شاید براساس آن به شخصیت وی پی برد این است که آنچه او گفته از لحاظ لفظ و معنی مظهر فرد اکمل است. فلسفه حافظ بسیار ساده و از آنجا که اساس آن نوعی جبر است، در نتیجه قهراً تسلیم و رضا را می‌رساند. در غزلیات او از سویی عشق با دو چهره آسمانی و زمینی خود تجلی دارد و از سویی فلسفه در تصویری شاعرانه ابراز می‌شود که شاید بزرگترین موضوع آن ترس و نیستی است که خاطر شاعر را پریشان کرده است (دیوان حافظ، ۱۳۷۷).

اوضاع آشفته زمان حافظ از لحاظ سیاسی، اجتماعی موجب می‌شود تزلزل در همه ارکان جامعه راه یابد. هیچ کس از فردای خود اندیشه روشنی ندارد و خواه ناخواه افراد به ریا و تزویر و کناره‌گیری روی می‌آورند تا از این مهلکه جان به‌در ببرند و هر فردی در اندیشه آن است تا خود را برهاند. حافظ در غزل به شیوه‌ای دست یافت که اندوه فراق را در کنار ظرایف عرفانی نشانده و همپای این مقوله‌ها از مسائل اجتماعی نیز سخن گفت: «یاری اندر کس نمی‌بینم»، همچنین در جایی دیگر می‌گوید: «هر کسی روز بهی می‌طلبد از ایام».

با توجه به آنچه در بالا گفته شده پژوهشگر با طرح این سؤال که آیا بین ویژگیهای شخصیتی حافظ و سعدی تفاوت معناداری وجود دارد، در صدد بررسی این ویژگیهای شخصیتی به استناد آثار آنها بر آمده است. نظر به تفاوت‌های معنایی، سبکی و محتوایی اشعار این دو شاعر و با توجه به فرض‌های روانکاوایی مبنی بر انعکاس نیازها، انگیزه‌ها و نظام ارزشی و... از طریق اعمال، رفتار و آثار هنری هدف اساسی این مطالعه مقایسه تیپ‌های شخصیتی (درونگرایی و برونگرایی) حافظ و سعدی بوده است. در نتیجه فرضیه مطرح شده نیز به قرار زیر خواهد بود: بین تیپ شخصیتی (درونگرایی - برونگرایی) حافظ و سعدی تفاوت معناداری وجود دارد.

## روش

با توجه به موضوع پژوهش مناسب‌ترین روش جمع‌آوری اطلاعات تحلیل محتوا است. استفاده از روش تحلیل محتوا براساس نظریه فرافکنی در سنجش استوار است. براساس این نظریه، انسان در هر کاری که انجام می‌دهد بخشی از ویژگیهای شخصیتی

خود را فرافکنی می‌کند. افراد در نوشتن نامه‌ها و خاطرات شخصی، سرودن شعر، نقاشی، سخنرانی، بازی و نمایش، ادراک و تفسیر محرک‌ها و رویدادهای محیطی او در بسیاری از کارهای روزمره، نیازها، انگیزه‌ها، باورها و نظام ارزشی خود را بیان می‌کند. همان‌طور که فرانک بیان می‌دارد: «هنگامی که شخص می‌کوشد تا محرک‌های مبهم را درک کند، تفسیر وی از این محرک‌ها بازتابی از نیازها، رفتارهای شرطی شده پیشین و فرایند تفکر او است» (شریفی و شریفی، ۱۳۸۰، ص ۱۹۶). تحلیل محتوا را می‌توان با استفاده از منابع موجود مانند مقاله‌های روزنامه‌ها و نشریه‌ها، نامه‌های اشخاص، سخنرانی‌ها، نقاشی، اشعار و... انجام داد.

به منظور پاسخ دادن به پرسش پژوهشی این مطالعه، دو اثر عمده و معتبر از لحاظ تصحیح، منظوم دیوان حافظ (نسخه تصحیح شده محمد قزوینی و دکتر قاسم غنی، ۱۳۷۳) و کلیات سعدی (نسخه تصحیح شده محمدعلی فروغی، ۱۳۸۲)، به عنوان واحدهای نمونه‌گیری انتخاب شده‌اند. با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی منظم (۱۰ صفحه به ۱۰ صفحه از غزلیات حافظ و ۷ صفحه به ۷ صفحه از غزلیات سعدی) ۴۴ صفحه غزل از هر کدام از آثار گفته شده انتخاب شد. با توجه به اینکه هدف اساسی این مطالعه بررسی و مقایسه ویژگی‌های شخصیتی حافظ و سعدی است، بنابراین از بیت به عنوان واحد تحلیل استفاده گردید. بدین ترتیب که ابیات بیانگر ویژگی‌های شخصیتی مبتنی بر تعریفهای شناخته شده از برونگرایی و درونگرایی از صفحات انتخاب شده استخراج و به صورت مقوله‌های مشخص طبقه‌بندی شدند و فراوانی هر مقوله تعیین گردید. به منظور ارزشیابی واحدهای تحلیل و استخراج آنها از ۲ نفر از دانشجویان رشته روان‌شناسی کمک گرفته شد. ویژگی‌هایی نظیر اجتماعی، محافظه‌کاری، گوشه‌گیری، تنوع‌خواهی و تسلط بر احساسات از جمله مقوله‌هایی بودند که براساس محتوای ابیات موجود در آثار این دو شاعر استنباط و ثبت شدند. در نهایت پس از استخراج فراوانی کلمات مورد نظر، اعداد به دست آمده در جدولهای دو بعدی گنجانده شد و برای آزمودن فرضیه پژوهشی از روش آماری خی دو استفاده گردید. در اینجا به ترتیب نمونه‌هایی از ابیات دیوان سعدی و حافظ که ویژگی‌های شخصیتی از آنها استخراج شده است ارائه می‌شود:

سعدي ز فراق تو نه آن رنج كشيده‌ست

- كز شادي وصل تو فرامش كند آن را  
(عدم تسلط بر احساسات)
- من بدین خوبی و زیبایی ندیدم روی را  
وین دلاویزی و دل‌بندی نباشد موی را  
(تنوع خواهی)
- به جان دوست که دشمن بدین رضا ندهد  
که در به روی ببندند آشنایی را  
(اجتماعی)
- بیچاره مانده‌ام همه روزی به دام او  
وینک فتاده‌ام به غریبی که کام اوست  
(گوشه‌گیری)

در كنج دماغم مَطَلَبِ جايِ نصیحت

- كاین گوشه پر از زمزمه چنگ و رباب‌ست  
(گوشه‌گیری)
- چه باشد از شود از بند غم دلش آزاد  
چو هست حافظ مسکین غلام و چاکر دوست  
(اجتماعی)
- بس نگویم شمه‌ای از شرح شوق خود از آنک  
درد سر باشد نمودن بیش از این ابرام دوست  
(محافظه‌کاری)
- هزار حیلله برانگیخت حافظ از سر فکر  
در آن هوس که شود آن نگار رام و نشد  
(تنوع خواهی)

یافته‌ها

پس از استخراج داده‌ها و شمارش فراوانی به دست آمده و گنجاندن آنها در جدول‌ها به توصیف و تحلیل داده‌ها اقدام شد. نتایج این محاسبات در این قسمت ارائه شده است.

جدول ۲- درصد فراوانی ویژگیهای شخصیتی در آثار هر یک از شاعران

شاعران	شخصیتی	اجتماعی	محافظه‌کاری	گوشه‌گیری	تنوع خواهی	تسلط بر احساسات	جمع
حافظ	۹	۱۹	۴۸	۱۳	۱۱	۱۰۰	
سعدي	۴۰	۹	۱۶	۲۷	۸	۱۰۰	

همان‌طور که در جدول ۱ مشاهده می‌شود بالاترین درصد ویژگی شخصیتی حافظ به گوشه‌گیری (۴۸ درصد) مربوط می‌شود و پس از آن محافظه‌کاری (۱۹ درصد) است و کمترین میزان به مردم‌آمیزی (۹ درصد) تعلق دارد. در حالی که بالاترین درصد ویژگیهای شخصیتی سعدی مردم‌آمیزی (۴۰ درصد) و پس از آن تنوع‌خواهی (۲۷ درصد) رتبه دوم را دارد. کمترین درصد ویژگی شخصیتی سعدی تسلط بر احساسات (۸ درصد) است.



نمودار ۱- درصد فراوانی ویژگیهای شخصیتی حافظ و سعدی

جدول ۳- خلاصه جدول محاسبات مجددورخی

ویژگیهای شخصیتی شاعران	اجتماعی	محافظه‌کاری	گوشه‌گیری	تنوع‌خواهی	تسلط بر احساسات	جمع
حافظ	۹ (۲۲/۵)	۱۸ (۱۳/۷)	۴۷ (۳۲/۹)	۱۲ (۱۸/۶)	۱۱ (۹/۳)	۹۷
سعدی	۳۲ (۱۸/۵)	۷ (۱۱/۲)	۱۳ (۲۷/۱)	۲۲ (۱۵/۴)	۶ (۷/۶)	۸۰
جمع	۴۱	۲۵	۶۰	۳۴	۱۷	۱۷۷

$$X^2 = 40/03$$

$$df = (5-1)(2-1) = 4$$

۰/۰۵	۹/۴۸۸
۰/۰۱	۱۳/۲۷۷

با توجه به اینکه خی دو محاسبه شده (۴۰/۰۳) در سطح احتمال ۰/۰۵ و ۰/۰۱ بزرگتر از خی دو استخراج شده از جدول است، بنابراین با اطمینان ۹۹ درصد می توان قضاوت کرد بین ویژگیهای شخصیتی حافظ و سعدی تفاوت معناداری وجود دارد. به عبارت دیگر سعدی برونگرتر از حافظ است.

### بحث و نتیجه گیری

در این مطالعه فرضیه مطرح شده عبارت است از: بین ویژگیهای شخصیتی (درونگرایی و برونگرایی) حافظ و سعدی تفاوت معناداری وجود دارد. به منظور آزمون این فرضیه با مراجعه به آثار این دو شاعر و به ترتیبی که در قسمت روش توضیح داده شد، اطلاعات لازم جمع آوری شد. تحلیل داده‌ها نشان می دهد که براساس محتوای اشعار سعدی، ویژگیهای شخصیتی اجتماعی و تنوع خواهی به مراتب بیشتر از حافظ است، در عین حال ویژگی شخصیتی محافظه کاری و گوشه گیری و تسلط بر احساسات به عنوان ویژگیهای افراد درونگرا در حافظ بیشتر است. بنابراین در نهایت می توان نتیجه گرفت تمایلات حافظ بیشتر به محور درونگرایی و تمایلات سعدی بر محور برونگرایی قرار دارد.

همان طور که اشاره شد، هدف اساسی این مطالعه مقایسه ویژگیهای شخصیتی (درونگرایی - برونگرایی) سعدی و حافظ است، دو شاعر بزرگ و جاودانی ایران و جهان که آثار پایداری بر جای گذاشته اند. به منظور درک شخصیت این دو سخن سرای بزرگ براساس راهبردهای روان شناختی بررسی مختصر در آثار آنها صورت گرفت. در حوزه سنجش و اندازه گیری شخصیت یکی از روشها، تحلیل محتوای منابع موجود باقی مانده از افراد است. این منابع می تواند شامل آثار هنری نظیر نقاشی، رمان، نامه ها، دستخطها، سخنرانی ها و غیره باشد. فرض بر این است که محتوای هر یک از این منابع شامل پیامی است که بازتابی از ویژگیهای شخصیتی، علایق، نگرش ها و انگیزه های خودآگاه و ناخودآگاه تولیدکننده آن منبع به اضافه منعکس کننده عوامل محیطی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی شرایط و دوره ای است که این منابع در آن شرایط و زمان

تولید شده‌اند (شریفی و شریفی، ۱۳۸۰). از این رو با استفاده از این روش می‌توان ویژگی‌های شخصیتی و روان‌شناختی صاحب اثر و همچنین شرایط و اوضاع و احوال اجتماعی زمان تولید منبع را شناسایی و توصیف کرد و به علاوه چون هر اثری برگیرنده تأثیر می‌گذارد، می‌توان اثر محتوا و پیام برخی از این منابع مانند کتابها و نشریه‌ها را بر افراد جامعه مورد مطالعه قرار داد. مطابق نظریهٔ فرافکنی در سنجش، هنری موری نیز معتقد است که شخص نه تنها نیازهای خود، بلکه فشارهای محیطی را که بر رفتار وی تأثیر می‌گذارند بر محرک‌های بیرونی فرافکنی می‌کند. بر همین اساس با تحلیل محتوای آثار هم ویژگی‌های شخصیتی و هم اوضاع و احوال محیطی مؤثر بر رفتار او را می‌توان توصیف کرد (شریفی و شریفی، ۱۳۸۰).

در این مطالعه فرضیهٔ مطرح شده عبارت است از: بین ویژگی‌های شخصیتی (درونگرایی و برونگرایی) حافظ و سعدی تفاوت معنادار وجود دارد. به منظور آزمودن این فرضیه با مراجعه به آثار این دو شاعر و به ترتیبی که در قسمت روش توضیح داده شد، اطلاعات لازم جمع‌آوری شد. تحلیل داده‌ها نشان می‌دهد که براساس محتوای اشعار سعدی ویژگی‌های شخصیتی اجتماعی و تنوع‌خواهی به مراتب بیشتر از حافظ است، در عین حال ویژگی‌های شخصیتی محافظه‌کاری و گوشه‌گیری و تسلط بر احساسات به‌عنوان ویژگی‌های افراد درونگرا در حافظ بیشتر است. بنابراین در نهایت می‌توان نتیجه گرفت تمایلات حافظ بیشتر به محور درونگرایی و تمایلات سعدی بر محور برونگرایی قرار دارد.

## منابع

- آیزنک، هانس. ج. واقعیت و خیال در روان‌شناسی، ترجمهٔ محمدتقی براهنی و نسیان گاهان، (۱۳۶۵)، تهران، انتشارات روز.
- دیوان حافظ شیرازی، نسخهٔ تصحیح شدهٔ محمد قزوینی و قاسم غنی، (۱۳۷۳)، تهران، انتشارات گنجینه.
- دیوان حافظ، نسخهٔ تصحیح شدهٔ محمد قزوینی و قاسم غنی، (۱۳۷۷)، تهران، انتشارات طلوع.
- ذکر جمیل سعدی، (۱۳۶۴)، مجموعهٔ مقالات و اشعار به مناسبت بزرگداشت هشتصدمین سالگرد

- تولد شیخ اجل سعدی علیه‌الرحمه، کمیسیون ملی یونسکو، ویرایش و انتشار اداره کل انتشارات و تبلیغات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، جلد اول.
- ذکر جمیل سعدی، (۱۳۶۶)، مجموعه مقالات و اشعار به مناسبت بزرگداشت هشتادمین سالگرد تولد شیخ اجل سعدی علیه‌الرحمه، کمیسیون ملی یونسکو، ویرایش و انتشار اداره کل انتشارات و تبلیغات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، جلد سوم.
- راس، آئن. ا. روان‌شناسی شخصیت (نظریه‌ها و فرایندها)، ترجمه سیاوش جمالفر، (۱۳۷۵)، تهران، نشر روان.
- شاملو، سعید. (۱۳۶۸)، نظریه‌ها و مکاتب شخصیت، تهران، انتشارات رشد.
- شولتز، دوآن‌پی. شولتز سیدنی‌الن. (۱۹۹۸)، نظریه‌های شخصیت، ترجمه یحیی سید محمدی، (۱۳۷۹)، تهران، انتشارات ویرایش.
- شریفی، حسن‌پاشا و نسترن شریفی. (۱۳۸۰)، روش‌های تحقیق در علوم رفتاری، تهران، انتشارات سخن.
- کلیات سعدی، نسخه تصحیح شده محمدعلی فروغی، (۱۳۸۱)، نشر پیمان.

BULLOCK, W.A., & GILLIAND, K. (1993). Eysenck's arousal theory of introversion-extraversion: A converging measures investigation. *Journal of personality and social psychology*, 64. 113-123.

EYSENCK, H.J., & EYSENCK, M.W. (1985). *Personality and Individual differences: A natural science approach*.

STELMACK, R.M. (1990). Biological bases of extraversion: Psychophysiological evidence. *Journal of personality*. 58. 293-311.

وصول: ۸۳/۱۱/۵

پذیرش: ۸۴/۶/۲۰